دستگیری ۱۶ محتکر در عملیات پلیس امنیت اقتصادی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی ناجا از دستگیری ۱۶ محتکر و کشف حدود دو میلیون قلم انواع تجهیزات بهداشتی احتکارشده خبر داد.
سردار محمدرضا مقیمی اظهار کرد: در اجرای طرح پلیس امنیت اقتصادی که از ۲ تا ۱۳ اسفند در حال اجرا است ۶۷۱ واحد صنفی، تجاری و انبار در سراسر کشور مورد بازرسی قرار گرفت.
وی ادامه داد: در طرح سراسری مقابله با احتکارکنندگان کالا به‌ویژه تجهیزات بهداشتی، در بازرسی از انبارها و مراکز توزیع طی ۲۴ ساعت گذشته یك میلیون و ۹۳۹ هزار و ۵۴۸ عدد انواع تجهیزات بهداشتی شامل؛ یك میلیون و ۷۹۰ هزار و ۳۰ عدد دستکش، ۱۰۱ هزار و ۶۳۳ عدد انواع ماسك، ۴۷ هزار و ۸۸۵ بطری انواع مواد ضدعفونی‌کننده احتکاری کشف و یك کارگاه تولید و عرضه انواع ژل‌های ضدعفونی‌کننده تقلبی شناسایی و پلمب شد. ۱۶ محتکر هم شناسایی و دستگیر شدند.

خواننده رپ می‌گوید مرتکب قتل عمدی پدرخوانده‌اش نشده است

۱۵۰ دقیقه دفاع در برابر ۱۱ پزشك جنایی

خواننده رپ که متهم به قتل پدرخوانده‌اش است، در حضور تیم ۱۱ نفره کارشناسان پزشکی قانونی به تشریح روز حادثه پرداخت. در حالی که اولیای دم برای حمیدرضا درخواست قصاص کرده‌اند، او مدعی شد بیماری پدرخوانده‌اش باعث مرگ او شده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، حمید رضا ۲۵ ساله که خواننده رپ است، ۲۴ مرداد سال ۹۶ در جریان درگیری با شوهر مادرش در خانه‌شان در خیابان ملاصدرا باعث مرگ وی شد. با دستور بازپرس جنایی پایتخت، او به اتهام قتل عمد بازداشت شد. متهم در تحقیقات به بازپرس جنایی گفت: با شوهر مادرم رابطه خوبی داشتم، اما او با مادرم بدرفتاری می‌کرد. آن روز متوجه شدم دوباره با مادرم درگیر شده و کتکش زده است. ناراحت شدم و برای ترساندن آن مرد به خانه‌اش رفتم. او را هل دادم که به دیوار یا کمد برخورد کرد. نفهمیدم چطور حالش بد شد و بعد از سه روز جان باخت. او بعد از بازسازی صحنه قتل، روانه زندان شد.

در ادامه، فرزندان متوفی برای این خواننده رپ درخواست قصاص کردند. بعد از آن کارشناسان پزشکی قانونی نظر دادند که مرگ پدرخوانده این خواننده به خاطر خونریزی و آسیب مغزی بر اثر اصابت جسم سخت به آهیانه راست بوده است. زمانی که متهم به این نظریه اعتراض کرد، پرونده برای بررسی به هیات سه نفره، پنج نفره و سرانجام به هیات هفت نفره پزشکی قانونی ارسال شد و آنها اعلام نظر کردند که متهم پرونده ۵۰ درصد مقصر بوده و ۵۰ درصد هم مسائل و بیماری‌های متوفی باعث مرگ او شده است. با نظر دادگاه، متهم پرونده خرداد سال گذشته با سپردن وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. اما فرزندان متوفی به نظریه کمیسیون هفت نفره اعتراض کردند که پرونده در دستور کار کارشناسان هیات ۹ نفره پزشکی قانونی قرار گرفت و سرانجام نظر دادند هر چند علت مرگ، ضربه به سر متوفی و آسیب مغزی ناشی از آن بوده اما این ضربه کشنده نبوده است. این درحالی بود که دوباره خانواده مقتول به نظر این کمیسیون اعتراض کردند که قرار شد هیات ۱۱ نفره پزشکی قانونی در این باره اظهارنظر کند. سرانجام ساعت ۸ صبح دیروز حمید رضا که متهم پرونده بود همراه وکیل خود، نماینده اولیای دم و وکیل آنها در سالن اجتماعات دادسرای جنایی تهران حاضر شدند و در حضور ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران و هیات ۱۱ نفره پزشکی قانونی که متشکل از دو زن و ۹ مرد پزشك بودند، علت مرگ مرد سالخورده را بررسی کردند. این جلسه ۱۵۰ دقیقه به طول انجامید. در این جلسه نماینده خانواده مقتول، مدارك پزشکی درباره وضعیت مرد فوت شده را در اختیار کارشناسان پزشکی قانونی قرار دادند، بعد حمیدرضا به تشریح ماجرای روز جنایت و نیز وضعیت پدرخوانده‌اش پرداخت.

سپس کارشناسان پزشکی قانونی سوال‌هایی را مطرح کرده و پاسخ‌های لازم را در این باره دریافت کردند. بعد از پایان این جلسه قرار شد که هیات ۱۱ نفره کارشناسان پزشکی قانونی به‌زودی نظر نهایی خود را به دادسرا اعلام کنند تا علت مرگ مرد سالخورده مشخص شود.

مردی که وصی خانواده مقتول است پس از این جلسه به جام جم گفت: من در جنگ تحمیلی شیمیایی شدم و سال‌ها پیش که برای ادامه درمان به کشور آلمان می‌رفتم با مقتول آشنا شدم و دوستی‌مان شکل گرفت و حتی زمانی که او در تهران زندگی می‌کرد نیز با وی در ارتباط بودم. خانواده‌اش هم مرا می‌شناختند. او آنقدر به من اعتماد داشت که وصیتنامه‌اش را من برای او نوشتم. او به خاطر بیماری قلبی تحت نظر پزشکان آلمانی بود و یك ماه قبل از مرگ به آلمان رفت و وضعیتش بررسی شد. در این جلسه گزارش وضعیت او را به پزشکان ارائه کردم. خانواده مقتول از متهم پرونده شکایت دارند و خواستار قصاص او هستند؛ چراکه معتقدند او به قتل رسیده و بیماری پدرشان نمی‌توانسته در مرگ او نقش داشته باشد. امیدواریم در این جلسه حقیقت مشخص شود.

خواننده پاپ: روز حادثه پدرخوانده‌ام را هل دادم که به دیوار یا کمد برخورد کرد. نفهمیدم چطور حالش بد شد و بعد از سه روز جان باخت

بازداشت مرد کارگردان به خاطر مرگ مشکوك همسرش

زن عکاس بعد از درگیری با شوهرش برسر دیر آمدنش به خانه به طور مشکوکی فوت شد. شوهر او که کارگردان است، به عنوان تنها مظنون در مرگ وی بازداشت شد و تحقیقات پلیس جنایی تهران از این مرد ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲۱ و ۳ دقیقه شامگاه دوازدهم اسفند امسال یکی از ماموران کلانتری یوسف‌آباد با مصطفی واحدی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوك زنی ۳۶ ساله در خانه‌ای در محله‌ای یوسف‌آباد خبر داد. بعد از این تماس بود که بازپرس جنایی همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به خانه زن فوت شده در طبقه چهارم ساختمانی در محله یوسف‌آباد حاضر شده و مشاهده کردند که وسایل خانه به‌هم ریخته و شوهر او و مرد کلیدسازی در خانه حضور دارند. جسد زن جوان نیز روی تختخوابش افتاده بود. این در حالی بود که تحقیقات اولیه تیم بررسی صحنه جرم پلیس آگاهی و پزشکی قانونی نشان داد که آثار خراش‌هایی روی بدن و دستان زن فوت شده وجود دارد و شواهد نشان می‌داد که بیش از ۱۸ ساعت از مرگ او گذشته است.

همچنین معلوم شد که آثار خراش‌هایی نیز روی دستان شوهر ۲۷ ساله او وجود دارد. با توجه به مشکوك بودن مرگ این زن، شوهر او به عنوان تنها مظنون پرونده مرگ وی با دستور بازپرس جنایی در همان محل بازداشت شد. همچنین تحقیقات بعدی پزشکی قانونی نشان می‌دهد که این زن به احتمال زیاد بر اثر خفگی یا مسمومیت فوت شده است.

در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که زن فوت شده فوق‌لیسانس ادبیات بوده و به عنوان عکاس سینما، تئاتر و تلویزیون فعالیت داشته و شوهر ۲۷ ساله وی نیز پسردایی‌اش بوده که نویسنده و کارگردان تئاتر، تلویزیون، بازیگر، نوازنده و آهنگساز است. همچنین معلوم شد، مرد جوان فرزند یکی از بازیگران مطرح و معروف طنز، تئاتر و تلویزیون است.

بازپرس جنایی به تحقیق از تنها مظنون پرونده پرداخت که وی در تحقیقات اولیه گفت: همسرم در خانه بود و من برای حضور در یك پروژه فرهنگی. هنری سر کار رفته بودم. دوشنبه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه به خانه بازگشتم، اما هر چه زنگ در را زدم همسرم در را برایم باز نکرد، حتی تلفن خانه را هم پاسخگو نبود. کلید یدك همراه نداشتم که وارد خانه شوم. با مرد کلیدسازی تماس گرفتم که او به خانه‌مان آمد و در را به رویم باز کرد، با دیدن وسایل خانه که به‌هم ریخته بود به ماجرا مشکوك شدم، چند بار همسرم را صدا زدم که پاسخگو نبود. وقتی به اتاقش رفتم او را بیهوش روی تختخواب یافتم. همان موقع با پلیس و اورژانس تماس گرفتم که آنها آمدند و بعد از بررسی وضعیت وی متوجه شدند که همسرم فوت شده است.

این در حالی بود که ماموران و بازپرس جنایی در میان گفته‌هایش متوجه ضد و نقیض‌گویی‌هایی شدند، بنابراین به تحقیقات دوباره از وی پرداختند که تنها مظنون پرونده این بار ادعاهای جدیدی را مطرح کرد و به بازپرس جنایی گفت: همسرم یك بار در ازدواج شکست خورده و ده سال از من بزرگ‌تر بود. اما به او علاقه داشتم و با توجه به مخالفت‌های خانواده‌هایمان با دخترعمه‌ام ازدواج کردم و دو سال از زندگی مشترکمان می‌گذشت. زیاد اختلاف و درگیری با هم نداشتیم. چون همسرم عکاس هنری و سینمایی بود در اکثر پروژه‌های کاری‌مان در تلویزیون، سینما، تئاتر و همه کارهای هنری همکاری داشتیم و در اکثر کارهایم او عکاسی می‌کرد. مدتی بود او خانه‌نشین شده بود و این موضوع آزارش می‌داد و باعث اختلاف ما شده بود. شب قبل دوباره دعوایمان شد و خراش‌های روی دستم مربوط به آن دعواست. من در مرگ او نقشی ندارم و نمی‌دانم چطور فوت کرده است.

با توجه به گفته‌های ضد و نقیض مرد کارگردان، او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران از وی برای رازگشایی از مرگ مشکوك همسرش ادامه دارد.

قتل مرموز راننده اسنپ در لواسان

راننده اسنپ که در کمربندی لواسان هدف ضربه‌های چاقو قرار گرفته بود، بعد از شش روز روی تخت بیمارستان جان باخت. پلیس تحقیقات برای شناسایی قاتل او را آغاز کرده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۳ و ۴۵ دقیقه ۱۲ اسفند امسال یکی از ماموران کلانتری تجریش با مصطفی واحدی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان مرگ مرد ۳۹ ساله‌ای در بیمارستان شهدای تجریش پایتخت قرار داد. با حضور بازپرس جنایی و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در بیمارستان، معلوم شد خانواده مقتول در آنجا هستند. در این مرحله ماموران ابتدا به تحقیق از مسوولان بیمارستان پرداختند که مشخص شد مرد زخمی شامگاه سه‌شنبه هفته گذشته در حالی که زخمی بود، از سوی رهگذران در کمربندی لواسان پیدا شده بود. پزشکان در این شش روز همه تلاش خود را برای نجات او به کار گرفته اما وی به دلیل شدت خونریزی ناشی از ضربه‌های چاقو، فوت شده است.

در این مرحله ماموران به تحقیق از پدر مقتول پرداختند که در جریان تحقیقات قضایی او به بازپرس جنایی گفت: پسر ۳۹ ساله‌ام مجرد بود و به عنوان راننده در اسنپ کار می‌کرد. سه‌شنبه هفته گذشته او برای جابه‌جایی مسافر از خانه‌مان در یکی از محله‌های تهران بیرون رفت. من و اعضای خانواده‌ام تا ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد روز چهارشنبه منتظرش ماندیم، اما او بازنگشت و تلفن همراهش نیز خاموش بود. همه جا را جست‌وجو کردیم و زمانی که ردی از او پیدا نکردیم، به کلانتری محله‌مان رفتیم و ناپدید شدن او را اطلاع دادیم. ساعاتی بعد از طریق تماس ماموران پلیس مطلع شدیم که پسرمان را شب قبل در حالی که در خودرویش زخمی شده بود در کمربندی لواسان یافته‌اند و او اکنون در بیمارستان بستری شده است.

پرونده‌ای در ارتباط با قتل این راننده اسنپ در شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران تشکیل شد.

کشف جسد مرد ناشناس در رودخانه کن

کشف جسد مرد جوانی در رودخانه کن، پلیس را در برابر معمای پرونده‌ای جنایی قرار داد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۲ دوازدهم اسفند امسال یکی از ماموران کلانتری کن با مصطفی واحدی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوك مرد مجهول‌الهویه‌ای در رودخانه کن خبر داد. با دستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به رودخانه کن اعزام شدند. آنها در بررسی محل مشاهده کردند آتش‌نشانان جسد مردی حدود ۳۲ ساله را از داخل آب بیرون آورده‌اند.

مرد فوت‌شده فقط شلوار پوشیده و پیراهن برتن نداشت. همچنین بررسی تیم جنایی پلیس آگاهی نشان می‌داد آثار جراحات و کبودی روی سینه و سر و صورت او وجود دارد و شواهد نشان می‌داد هفت ساعت از مرگ او گذشته است. جسد وی به پزشکی قانونی منتقل شد و این درحالی بود که با تحقیقات محلی متوجه شدند او غریبه بوده و در آن حوالی زندگی نمی‌کرده و رهگذری هنگام عبور از کنار رودخانه کن جسد مرد ناشناس را یافته است. با دستور بازپرس جنایی قرار شد که پرونده افراد گمشده در پلیس آگاهی تهران را بررسی کنند تا شاید ردی از هویت مقتول و شناسایی خانواده‌اش پیدا شود.

تهدیدهای زن صیغه‌ای جانش را گرفت

مرد جوان برای این که راز همسر صیغه‌ای‌اش فاش نشود، او را به قتل رساند و جسدش را در باغچه خانه دفن کرد. قاتل پس از چهار سال از دادگاه خواست با قسطی شدن دیه باعث آزادی او شوند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بهمن ۹۴، پرونده قتل مرموز زن ۴۰ ساله به نام فرزانه، روی میز پلیس ورامین قرار گرفت. رسیدگی به پرونده با اعلام ناپدید شدن فرزانه توسط یکی از همسایه‌های او آغاز شد. مرد همسایه در تماس با پلیس گفته بود: «چند روز قبل یکی از همسایه‌های ما که زنی میانسال است و تنها زندگی می‌کند، به خانه‌مان آمد و گفت فاضلاب خانه‌اش خراب شده و برای تعمیر آن یك بیل و کلنگ از ما قرض گرفت. اما چند روزی گذشت و زن همسایه بیل و کلنگ را پس نداد و هیچ اثری از خودش هم نیست.»

در تحقیقات محلی پلیس از همسایه‌های دیگر مشخص شد در چند روز اخیر هیچ فردی ندیده که فرزانه از خانه‌اش خارج شده باشد. بنابراین ماموران پلیس بازرسی خانه او را آغاز کرده و متوجه شدند خاك باغچه به هم خورده و در بررسی‌های بعدی جسد فرزانه در باغچه خانه خودش کشف شد.

تحقیقات برای یافتن ردی از عامل قتل فرزانه با ردیابی تماس‌های مقتول آغاز شد و ماموران را به این نتیجه رساند که فرزانه با مردی جوان در ارتباط بوده و آن مرد به عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قضایی قرار گرفت و حدود دوماه بعد از وقوع قتل دستگیر شد.

متهم ۲۵ ساله به نام کامیار در برخورد اولیه با ماموران پلیس سعی داشت از بیان حقیقت طفره برود اما بعد از چند روز بالاخره لب به اعتراف گشود و پرده از راز قتل فرزانه برداشت و گفت: «روز حادثه در خانه فرزانه با او جروبحثم شد و با چوبی که کنار باغچه خانه‌اش بود، چند ضربه به سرش زدم. وقتی متوجه شدم او جانش را از دست داده، با همان بیل و کلنگی که خودش برای تعمیر فاضلاب خانه از همسایه‌اش قرض گرفته بود، باغچه را کندم و جسد فرزانه را دفن کردم.»

با اعتراف متهم به قتل، قرار بازداشت موقت او از سوی دادسرایی جنایی صادر شد؛ اما اولیای دم پرونده شناسایی نشدند. بنابراین متهم از دادگاه تقاضای تعیین تکلیف کرد و معاون اول قوه قضاییه از سوی اولیای دم تقاضای دیه کرده و روز گذشته پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد.

متهم در جلسه دادگاه در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: «اتهام قتل فرزانه را قبول دارم اما از این کار خیلی پشیمانم. وقتی نوجوان بودم در خیابان با فرزانه آشنا شدم. مدت زیادی با هم رابطه داشتیم و من او را به عقد موقت خودم درآورده بودم. فرزانه به من خیلی علاقه داشت اما به خاطر تفاوت سنی خیلی زیادمان، من نمی‌توانستم او را به خانواده ام معرفی کنم. تا این که خانواده من دختری را برایم در نظر گرفتند و به خواست آنها با آن دختر ازدواج کردم. اما وقتی فرزانه موضوع ازدواجم را فهمید، هر روز با من تماس می‌گرفت و تهدیدم می‌کرد اگر همسرم را طلاق ندهم، آبرویم را می‌برد. از او خواسته بودم دست از سرم بردارد اما او باز هم مزاحمم می‌شد.»

متهم در ادامه در مورد روز حادثه گفت: «آن روز فرزانه با من تماس گرفت و گفت فاضلاب خانه‌ام خراب شده و به همین بهانه از من تقاضای کمك کرد. وقتی به خانه‌اش رسیدم باز جر و بحثمان شد و می‌گفت موضوع ارتباط‌مان را به همسرم خواهد گفت. من هم به قدری عصبانی بودم که او را به قتل رساندم و جسدش را در باغچه دفن کردم.»

متهم در آخر گفت: «از کرده خود پشیمانم و توانایی پرداخت نقدی دیه را ندارم. از دادگاه تقاضا دارم دیه را قسط‌بندی کنید.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم، ختم جلسه را اعلام کرده و برای صدور رای وارد شور شدند.

تلنگر

کلاهبرداری به بهانه سرمایه‌گذاری میلیاردی در کیش

مردی که اقدام به کلاهبرداری میلیاردی از یکی از شهرداری‌ها در تهران کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، چندی پیش پرونده‌ای با موضوع کلاهبرداری میلیاردی از یکی از زیرمجموعه‌های شهرداری تهران به پلیس تهران گزارش و در جریان آن مشخص شد که این پرونده از سال ۸۸ باز بوده و متهم نیز به ۱۰ سال زندان، پرداخت جزای نقدی و تبعید محکوم شده بود، اما این فرد در این مدت فراری بود. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که او پیش از این با یکی از پیمانکاران شهرداری برای زیباسازی و طرح جداول یکی از شهرك‌ها قرارداد امضا کرده و در قبال انجام کار و خرید مصالح و پول کارگران دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان از شهرداری بودجه گرفته بود اما پس از پیشرفت ۲۰ درصد از کار متواری شده و طی این مدت نیز پولی بابت کارگران و مصالح پرداخت نکرده است. این در حالی بود که در جریان تحقیقات بعدی مشخص شد که متهم بودجه دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی را در جزیره کیش سرمایه‌گذاری کرده و فراری شده که در همین راستا تجسس‌ها برای دستگیری وی در دستور کار قرار گرفت و ماموران قرارگاه جلب محکومان متواری، چند روز پیش او را شناسایی و بازداشت کردند.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، جانشین رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: متهم با اعتراف به جرایمش روانه زندان شد.

سرقت خودرو با دختر ۲ ماهه

پلیس در جست‌وجوی دو سارقی است که خودروی پراید روشن که کودك دو ماهه‌ای در آن خوابیده بود را دزدیدند. متهمان با پی بردن به حضور کودك ساعاتی بعد از سرقت خودرو و کودك را رها کردند.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ پیمان لطیفی، رئیس کلانتری انقلاب گفت: ساعت ۲۳ یازدهم اسفند امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و خبر داد که خودروی پژواش در خیابان جمالزاده در حالی که پسر دو ماهه‌اش در صندلی عقب آن خواب بوده سرقت شده است. ماموران برای بررسی ماجرا به محل سرقت اعزام شدند. آنها زوج جوانی را مشاهده کردند که گریان بودند و از ماموران می‌خواستند که تا اتفاقی برای فرزندشان رخ نداده، او را نجات دهند.

وی افزود: ماموران به تحقیق از مرد شاکی پرداختند که مشخص شد همسرش برای خرید از خودرو پیاده شده و چند دقیقه بعد که خودرو روشن بوده او نیز برای چند لحظه پیاده شده که ناگهان دو مرد جوان سوار خودرویش شده و با ربودن خودرو و پسرشان که در خودرو خوابیده بوده به سرعت از محل دور شدند.

رئیس کلانتری انقلاب اسلامی ادامه داد: با توجه به حساسیت موضوع مشخصات خودرو به گشت‌های پلیسی اعلام شد و در ادامه زن جوان که بی‌تابی می‌کرد عنوان کرد گوشی تلفن همراهش را داخل خودرو جا گذاشته که در این مرحله یکی از ماموران با تلفن همراه او تماس گرفت. همان موقع یکی از سارقان گوشی تلفن را پاسخ داد و مدعی شد که حال کودك خوب است و خودرو را تا لحظاتی دیگر یك کوچه بالاتر از کلانتری و پشت خودروی کامیونی پارك می‌کند و برای این که بچه سرما نخورد بخاری خودرو را نیز روشن گذاشته است. ماموران، همراه والدین کودك به محل مورد نظر رفتند و کودك را داخل خودروی سرقتی یافتند و او تحویل خانواده‌اش شد. پلیس در جست‌وجوی دو دزد فراری است.

مرد شیشه‌ای دوستش را کشت

مرد شیشه‌ای که دوستش را به قتل رسانده و متواری شده بود بازداشت شد.

سرهنگ محمدمهدی کریمی، سرپرست فرماندهی انتظامی رفسنجان به سایت پلیس گفت: فردی با پلیس تماس گرفت و از قتل مردی ۵۰ ساله در یکی از محله‌های شهر رفسنجان خبر داد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند، مشاهده کردند که او براثر ضربه‌های چاقو از ناحیه قفسه سینه و گردن به قتل رسیده است. در جریان تحقیقات پلیسی سه مرد در این پرونده بازداشت شدند و معلوم شد دو نفرشان در ماجرا نقشی ندارند و آنها بازداشت شدند اما نفر آخر به ضدونقیض‌گویی پرداخت تا این‌که او که مرد شیشه‌ای بود سکوت خود را شکست و به قتل مرد ۵۰ ساله اعتراف کرد و مدعی شد که بعد از مصرف شیشه و توهم ناشی از آن دست به جنایت زده است.